



ادبیات معاصر

سال اول شماره اول اردیبهشت ۱۳۷۵ ۱۸۰ تومان

نگین

ذوق روز

گلخانه

ایستادگی

۲۰۰۰ تومان

همسنگ

فصلنامه

۷۰۶۷۰۰۰

اسفند ۱۳۷۲ و اردیبهشت ۱۳۷۳

سال ششم شماره ۵۲ آذرماه ۱۳۷۴

بازگشت

سال پنجم • پائیز ۱۳۷۵

بازگشت

بازگشت

دنیای سخن

اشاره:

در بررسی سابقه نشریات ادبی ایران از ابتداء تا به امروز دو نکته از میان دیگر موارد قابل توجه و مطالعه می‌باشد. یکی این‌که نشریاتی که روش، نوع و تخصص‌شان صرفاً ادبی باشند بسیار معدوداند، دیگر این‌که این‌گونه نشریات در کنار پرداختن به دیگر مطالب فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی، ادبیات را نیز مدنظر قرار داده‌اند.

برای کشوری که پیشینه ادبیات و ادب آن بسیار طولانی، غنی و قوی است و مفاخر ادبی آن آوازه جهانی داشته و دارند و همواره مورد ستایش جهانیان قرار گرفته‌اند، این تعداد مجله ادبی چه از نظر کمی و چه از دیدگاه کیفی در خور و شایسته نمی‌باشد.

آنچه در پی می‌آید بررسی پیشینه تاریخی، موقعیت و جایگاه فعلی نشریات ادبی ایران می‌باشد.

## نشریات ادبی؛

## پیشینه تاریخی،

## موقعیت و جایگاه فعلی

فریبا کاظمی

در ماده‌ی یک از فصل اول قانون مطبوعات، «مطبوعات» چنین تعریف شده است: «نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف، در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.»<sup>۱</sup> و «ماحصل فعالیت روزنامه‌نگاری» که انتشار مطبوعات است چیزی جز انعکاس بی‌طرفانه‌ی رویدادها برای اقشار مردم به‌گونه‌ای صحیح، سریع و ساده نیست.<sup>۲</sup>

«آثار ادبی نیز شامل مجموعه آثار



مکتوبی که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیر کرده باشد و البته به اقتضای اقوال و طبایع و اقوام و افراد و هم نسبت به مقتضیات و مناسبات سیاسی و اجتماعی، فنون و انواع مختلفی از این گونه آثار به‌وجود آمده است.<sup>۳</sup>

با تعاریفی که از دو حوزه‌ی مطبوعات و ادبیات وجود دارد، می‌بینیم که این دو از نظر ماهیت متفاوت هستند و طبیعتاً در شیوه‌ی کار نیز اختلاف خواهند داشت: نویسنده‌ی ادبی، قیدوبند سرعت کار روزنامه‌نگار را ندارد، روزنامه‌نگار وسواس زیبایی نگارش را ندارد. در

ادبیات تنها نویسنده است که در سرنوشت، شکل و محتوای اثرش دخالت می‌کند. حذف یک بخش از اثر ادبی می‌تواند آن را فاقد معنا کند. اما در روزنامه‌نگاری - به ضرورت - بخش‌هایی از متن را می‌توان حذف کرد و همچنین مطبوعات برخلاف ادبیات مخاطب عام دارد.

شاید تفاوت در ماهیت و روش کار است که سبب پیش آمدن کدورت‌هایی میان ادیبان و دست‌اندرکاران وسایل

می‌توان استفاده از شیوه‌های ژورنالیستی - خبر، مصاحبه، گزارش و مقاله - جهت معرفی آثار ادبی و آفرینندگان این آثار به مخاطبان و ایجاد فضای سازنده‌ی نقد، جهت تعالی آثار ادبی، دانست.

بخش جدایی‌ناپذیر ادبیات را زبان و نثر آن زبان تشکیل می‌دهد. تأثیری را که انتشار مطبوعات بر زبان فارسی می‌گذارد نباید نادیده گرفت. کافی است زبان فارسی پیش از دوره‌ی ناصری و انتشار مطبوعات را با پس از آن مقایسه کنیم. زبان فارسی

- **ماحصل فعالیت روزنامه‌نگاری که انتشار مطبوعات است چیزی جز انعکاس بی‌طرفانه‌ی رویدادها برای اقشار مردم به‌گونه‌ای صحیح، سریع و ساده نیست.**
- **آثار ادبی از مجموعه آثار مکتوبی که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیر کرده باشد به‌وجود آمده‌اند.**
- **نویسنده‌ی ادبی، قیدوبند سرعت کار روزنامه‌نگار را ندارد و روزنامه‌نگار وسواس زیبایی نگارش را ندارد.**
- **کارکرد ادبیات در نشریات را می‌توان استفاده از شیوه‌های ژورنالیستی - خبر، مصاحبه، گزارش و مقاله - جهت معرفی آثار ادبی و آفرینندگان این آثار به مخاطبان و ایجاد فضای سازنده‌ی نقد، جهت تعالی آثار ادبی، دانست.**

رتال جامع علوم انسانی

ارتباط جمعی شده است و ادبیات رواج غلط‌های دستوری را در نشریات معلول اهمال‌کاری رسانه‌های جمعی می‌دانند، حتی در نقد اثری ادبی، برای نشان دادن ضعف اثر از صفت «اثر ژورنالیستی» استفاده می‌کنند در حالی که این صفت دیگر در زبان ما در نقش توصیفی، به معنای ابتذال است.

با وجود کدورت‌هایی از این نوع، میان ادبیات و مطبوعات پیوند ناگسستنی وجود دارد. کارکرد ادبیات در نشریات را

پیش از انتشار مطبوعات، به زحمت از عهده‌ی موضوعات مربوط به زمان خود بصرمی‌آمد. مطبوعات در زمان ناصرالدین‌شاه در مدت زمانی کوتاه از طریق جذب عناصر جدید اندیشه، خزانه‌ی واژه‌های زبان فارسی را چنان غنی کرد که وقتی در سال ۱۳۲۴ ه. ق متمم قانون اساسی نوشته شد، موضوع با چنان عبارات ارزنده‌ای بیان شد که گویی زبان فارسی سالیان دراز با آن‌گونه مفاهیم الفت داشته است.

هرچند از دیدگاه «یحیی آراین پور» سبک نویسندگی در این دوران فوق العاده ناپخته و ابتدایی بود، زیرا از یک سو سبک پیچیده و سرشار از صنایع بدیعی برای ارائه مفاهیم و موضوعات روز مناسب نبود، از دیگر سو نثر جدید هنوز جایگاهی شایسته و معتبر پیدا نکرده بود و نویسندگان همان داشته‌های کهنه خود را به صورت مقاله در روزنامه‌ها به چاپ می‌رساندند. اما در عین حال آراین پور نیز به این موضوع اذعان دارد که همین روزنامه‌ها با همه خامی و ناپختگی، نثر فارسی را به نثری ساده میدل کرده و آن را به فهم و ادراک توده مردم نزدیک کردند.

یکی از عوامل نزدیکی نثر فارسی به زبان توده مردم، اشعاری با مضمون سیاسی - اجتماعی بود که ادوارد براون آنها را «وطنیه» و یحیی آراین پور «اشعار مطبوعاتی» نامید. این اشعار به طور گسترده در دوران مشروطه در مطبوعات به چاپ می‌رسید. موضوع این اشعار که عمدتاً وقایع روزمره سیاسی و اجتماعی بود، ادبیات را از دایره محدود گذشته خارج کرد و سبب شد ادبیات به لایه‌های زیرین جامعه نفوذ کرده و طبقه عامه نیز از ادبیات بهره‌مند شوند.

در این میان طنز و نثر ساده و روان میرزا علی اکبر دهخدا را نباید فراموش کرد، همچنین عوامل دیگری نظیر فرستادن محصل به اروپا، تأسیس دارالفنون، آوردن معلم از اروپا که درس‌های آن نیاز به مترجم داشت، ترجمه آثار ادبی، فلسفی، تاریخی و... به زبان فارسی و حضور نویسندگانی مانند طالبوف و زین‌العابدین مراغه‌ای در این میانه نقش بسزایی داشته است.

حضور نشریات ادبی به شکل امروزی و پیگیری جدی مسائل ادبی از زمان انتشار نخستین روزنامه‌ها فاصله زیادی داشته است؛ اما نخستین نشریه‌ای که در آن نشانی - هرچند مختصر - از ادبیات دیده می‌شود، روزنامه ملت سنیه ایران یا روزنامه مسلتی است. در راهنمای

مطبوعات ایران به کوشش سیدفرید قاسمی از این روزنامه با تخصص‌های ادبی، خبری، اجتماعی و تاریخی نام برده شده است. محتوای اصلی این روزنامه که در سال ۱۲۸۳ ه. ق منتشر شد، شرح احوال و آثار شعری ایرانی بوده است.

در سال ۱۳۱۴ ه. ق روزنامه تربیت و در سال ۱۳۲۱ ه. ق روزنامه ادب (این روزنامه در سال ۱۳۱۸ ه. ق در مشهد منتشر می‌شد) انتشار یافت که به اعتقاد ادوارد براون این دو روزنامه از نشریات ادبی طراز اول ایران در آن دوران محسوب می‌شدند. در روزنامه ادب اشعار بسیاری از ادیب‌الممالک (مدیر روزنامه) با

و میرزاجهانگیر خان شیرازی منتشر می‌کردند و میرزاعلی اکبر دهخدا از نویسندگان مطرح آن بود. هدف این روزنامه فاش کردن خیانت رجال حکومت و تبانی آنان با عمال بیگانه بود. نویسندگان صوراسرافیل مقاصد خود را ضمن عبارات ساده شوخی آمیز، هجویه‌های منظوم و ترانه‌های عامیانه بیان می‌کردند. اهمیت این روزنامه و شهرتش بیشتر به خاطر نوشته‌های دهخدا تحت عنوان «چرند و پرند» بود.

اما طلوع نشریات ادبی به شکل امروزی و دنبال کردن مطالب ادبی به طور جدی در نشریات، همزمان با آغاز کار

■ **روزنامه‌ها با همه خامی و ناپختگی، نثر فارسی را به نثری ساده مبدل کرده و آن را به فهم و ادراک توده مردم نزدیک کردند.**

■ **یکی از عوامل نزدیکی نثر فارسی به زبان توده مردم، اشعاری با مضمون سیاسی - اجتماعی بود که ادوارد براون آنها را وطنیه و یحیی آراین پور اشعار مطبوعاتی نامید. این اشعار به طور گسترده در دوران مشروطه در مطبوعات به چاپ می‌رسید.**

■ **نویسندگان صوراسرافیل مقاصد خود را ضمن عبارات ساده شوخی آمیز، هجویه‌های منظوم و ترانه‌های عامیانه بیان می‌کردند.**

مجله نویسی در سال ۱۳۲۸ ه. ق و انتشار مجله بهار بوده است. که مدیر آن یوسف اعتصام‌الملک (پدر پروین اعتصامی) بود. در بهار بیشتر ترجمه آثار بزرگان ادبیات فرانسه مطرح می‌شد. به طور کلی مطالب بهار در دوره دوساله انتشارش بیشتر ترجمه بود تا تألیف!

پس از بهار، مجله دانشکده دومین مجله ادبی است که در ایران منتشر شد. ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۳۶ ه. ق اردیبهشت ۱۲۹۷ ه. ش انجمن ادبی «دانشکده» را در تهران تأسیس کرد. در این انجمن، نویسندگانی چون سعید نفیسی، رشید یاسمی و اقبال آشتیانی حضور

مضمون سیاسی به چاپ می‌رسید. میرزا محمدحسن فروغی (ذکاءالملک) - مدیر روزنامه تربیت - که از منشیان و شعراء درباری بود، مقالاتی در این روزنامه چاپ می‌کرد که لحنی متملق مآبانه داشت.

در پایان نه ماهه اول پس از اعلان مشروطه بود که دو روزنامه ادبی در تهران انتشار یافت؛ یکی به نام ثناتر و دیگری به نام صوراسرافیل. از مطالب جالب روزنامه ثناتر صحنه‌های دراماتیکی به صورت مکالمه بود که هدفش انتقاد از حکومت قاجاریه و رجال حکومتی بود. صوراسرافیل را نیز میرزا قاسم خان تبریزی

داشتند. این انجمن مجله دانشکده را منتشر کرد که تفکر حاکم بر آن لزوم «تجدیدنظر» در طرز و رویه ادبیات ایران بود. نویسندگان دانشکده معتقد به انقلابی آرام در ادبیات فارسی بودند.

نشریه بهار اگر از جنبه تاریخی ضعیف بود، در عوض دانشکده از لحاظ تاریخ ادبیات فارسی و فرانسه - آن هم نسبت به زمان خود - موقعیت ممتازی داشت. نکته جالب توجهی که در یکی از شماره‌های مجله دانشکده (شماره ۱۱ و ۱۲) دیده می‌شود، ادای دین به مجله بهار است؛ چیزی که در اخلاق مطبوعاتی امروز، جای خالی آن حس می‌شود. دانشکده



## ادبیات زمانه

مجله ادبیات فارسی، بهار ۱۳۵۰، شماره ۱۱ و ۱۲



نوشت:

«مجله ما در عالم فضیلت مقدم مروهون مجله (بهار) اثر فاضل دانشمند اعتصام‌الملک است... که گذشته از منفرد بودن مجله مزبور در محیط تقدم یک درجه مخصوص را از بوستان ادبیات جدید بر روی عالم ایرانیت گشود و مثل هر گل نوری که قبل از فصل بهار بشکند فقط خیر روح بخشی از وصول فروردین داده و خود به زودی محو گردیده ولی اثری در گلگشت حقیقی ادبیات با تقدیر بشارتش باقیمانده، مجله بهار پیش‌آهنگ گل‌های ادبی ما بوده...»

همزمان با انتشار مجله دانشکده بود که

نشریه ادبی و فکاهی گل‌زرد را میرزا یحیی خان یکی از اعضای انجمن دانشکده در شعبان ۱۳۳۶ ه. ق در تهران منتشر کرد. گل‌زرد به ارائه ادبیات عوام‌پسند می‌پرداخت. مجله ارمغان و ادب نیز دو سال بعد به ترتیب در تهران و تبریز منتشر شد. انتشار ارمغان که دیرپاترین مجله ادبی در ایران است تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت، به عبارتی این مجله، ۵۹ سال در عرصه نشریات ادبی، فعالیت داشته است.

در سال ۱۳۳۹ ه. ق مجله آزادبستان در تبریز منتشر شد. مدیر این مجله تقی رفعت وابسته به کمیته ایالتی حزب دموکرات آذربایجان بود. به اعتقاد یحیی آری‌پور آزادبستان از نشریات آبرومند ادبی و فرهنگی شهرستان بود. هدف نویسندگان آزادبستان، پیگیری هدف دانشکده، یعنی «تجدیدنظر در طرز و رویه ادبیات ایران» بود که بر روی جلد مجله نیز ذکر شده بود. در این مجله کسانی مانند تقی رفعت و شمس کسمایی تحت تأثیر ادبیات اروپایی، اشعاری با قالب‌های تازه و مضمون‌های جدید به خوانندگان ارائه می‌کردند.

در سال ۱۳۴۱ ه. ق (۱۳۰۱ ه. ش) نوبهار با مدیریت ملک‌الشعرا بهار در تهران منتشر شد. این نشریه که پیش از آن در خراسان با مسلک سیاسی انتشار می‌یافت، با تغییر در شکل ظاهری، محتوا و روش به صورت یک مجله ادبی درآمد. از دیگر مجلات دهه‌های آغازین سده ۱۴ ه. ش می‌توان به‌طور خلاصه به نشریات زیر اشاره کرد:

شرق (سعید نفیسی - ۱۳۰۳، ۱۳۰۵ و ۱۳۱۰)، آینه (دکتر محمود افشار - ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۲۳ و ۱۳۳۸)، تقدم (احمد و عبدالرحمن فرامرزی - ۱۳۰۶)، آرمان (دکتر شیراز پورپرتو ۱۳۰۹)، مهر (مجید مؤقر - ۱۳۱۲، ۱۳۲۱ و ۱۳۳۱)، گل‌های رنگارنگ (میرزا علی‌اکبرخان مشیر سلیمی - ۱۳۱۲ و ۱۳۲۰)، دنیا (دکتر ازان - ۱۳۱۲) مهرگان (مجید مؤقر

۱۳۱۴)، موسیقی (سرگرد مین باشیان ۱۳۱۸ و ۱۳۲۸)، خواندنی‌ها (علی‌اصغر میرانی - ۱۳۱۹)، سخن (پرویز ناتل خانلری ۱۳۲۲)، جهان‌نو (? - ۱۳۳۴)، یغما (حبیب یغمایی - ۱۳۲۷)، فردوسی (نعمت‌الله جهان‌بانویی - ۱۳۲۸)، پیام نوین (وابسته به انجمن فرهنگی ایران و شوروی - ۱۳۲۳)، اندیشه و هنر (ناصر وثوقی - ۱۳۳۳)، کیهان‌ماه (سیمین دانشور و جلال‌آل احمد - ۱۳۳۴)، انتقاد کتاب (ناشر: کانون انتشارات نیل - ۱۳۳۴)، آشنا (احمد شاملو - ۱۳۳۶)، راه‌نمای کتاب (احسان یارشاطر، ایرج افشار - ۱۳۳۷)، صدف (احمد عظیمی زواره‌ای - ۱۳۳۷)، کتاب هفته (? - ۱۳۴۰)، آرش (? - ۱۳۴۰)، جنگ اصفهان (زیر نظر محمد حقوقی - ۱۳۴۳)، نگین (دکتر محمود عنایت - ۱۳۴۴)، خورش (احمد شاملو - ۱۳۴۴)، دفترهای زمانه (سیروس طاهباز - ۱۳۴۶)، کتاب امروز (کریم امامی - ۱۳۵۰) و القبا (غلامحسین ساعدی - ۱۳۵۲).

دهه ۴۰ و ۵۰ سال‌های رونق نشریات ادبی بود، تا آنجا که روزنامه‌ها نیز صفحاتی را به ادبیات اختصاص می‌دادند. تب فراگیر ادبیات تا جایی نشریات را فراگرفته بود که امیرعباس هویدا (تلاش - ۱۳۴۵)، مؤسسه اطلاعات (جوانان - ۱۳۴۵)، رادیو تلویزیون ملی ایران (تماشا - ۱۳۴۹) و حزب رستاخیز ملی ایران، (رستاخیز جوان - ۱۳۵۴) را منتشر کرد. در شناسنامه این نشریات روش «ادبی» در کنار روش‌های دیگر نشریه - از جمله «سرگرمی» در مورد رستاخیز جوان - دیده می‌شود.

مسلم این‌که نشریه‌ای چون جوانان/امروز و یا رستاخیز جوان به هیچ‌عنوان با معیارهای ادبی که در این بررسی مدنظر است، سازگار نیست. شاید آنچه گردانندگان این نشریات از «ادبی» مدنظر داشته‌اند، پاورقی‌هایی بود که در این مجلات به چاپ می‌رسید. حتی دکتر حسین ممیزی‌نژاد پساورقی‌نویس

سپیدوسپاه نیز در سال ۱۳۴۷ رنگین‌کمان را منتشر کرد.

اما ابعاد مثبت رشد ادبیات و رونق نشریات ادبی در این دهه بیشتر از ابعاد منفی - یعنی انتشار پاورقی تحت‌عنوان ادبیات - بود، به طوری که در شهرستان‌ها نیز به جز جنگ اصفهان، نشریات ماندگار دیگری به چاپ می‌رسید. مانند: پرچم (خوزستان)، مه‌آزادی، سه‌د (تبریز)، پارت، هیرمند (خراسان)، آبنوس، شعروقصه (شیراز)، بازار (رشت)، هنر و ادبیات (جنوب) و فلک‌الافلاک (غرب).

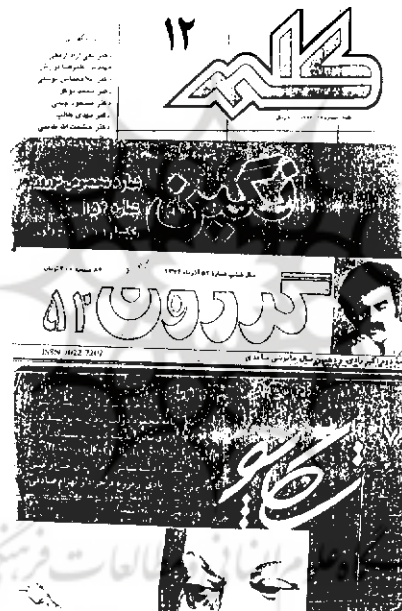
در مجموع می‌توان سیر تکوینی نشریات ادبی را از دهه‌های آغازین قرن ۱۴ به این شکل خلاصه کرد که دهه ۲۰، دهه تشکل مخاطبان علاقه‌مند به ادبیات نوین و دهه ۳۰ دهه ظهور نشریات متعدد ادبی است. در نشریات این دهه منتقدان و نویسندگان ادبی علیه سنت‌های ادبی به پا می‌خیزند و دهه ۴۰ و ۵۰ همان‌طور که گفته شد در عین رونق ادبیات، دهه رونق نشریات ادبی نیز بود.

اما به دلیل شرایط انقلابی و پس از آن آغاز جنگ و توجه افکار عمومی، روشنفکران و نویسندگان به این‌گونه مسائل و ورود آنها به جریانات غالب جامعه، بین سال‌های ۵۶ - ۶۰ این رونق متوقف شد و تا مدتی عرصه مطبوعات از حضور نشریات ادبی خالی می‌شود. تا این‌که در سال ۱۳۶۴ آدینه قدم به عرصه مطبوعات گذاشت. این نشریه هرچند بیشتر دغدغه سیاست داشت تا ادبیات، اما به دلیل طرح مسائل ادبی، آن‌هم ادبیات مدرن، نقد کتاب و ترجمه درمیان علاقه‌مندان به ادبیات جایی برای خود پیدا کرد. دنیای سخن نیز در سال ۶۴ منتشر شد. دنیای سخن و آدینه عرصه‌ای جهت قلمفرسایی دگراندیشان سیاسی - ادبی فراهم آورد. در همین سال مفید زیرنظر هوشنگ گلشیری منتشر شد که می‌توانست با ماندگاری در عرصه نشریات ادبی تأثیر بسزایی بر ادبیات بگذارد، اما در سال ۱۳۶۶ انتشارش

متوقف شد.

در سال ۱۳۶۸ مؤسسه اطلاعات ادبستان فرهنگ و هنر را منتشر کرد. در سال ۱۳۶۹ کلک به چاپ رسید که مطالب آن بیشتر نقل خاطرات و یادمان بزرگان ادبیات و فرهنگ بود تا نقد و نقادی. در همین سال نشریه گردون قدم به عرصه مطبوعات گذارد که پس از توقیف در سال ۱۳۷۰ دوره دوم آن در فروردین ۱۳۷۲ آغاز شد و در آذرماه ۱۳۷۴ آخرین شماره آن به چاپ رسید.

در سال ۱۳۷۱ شهاب منتشر شد که مسیر رشد خود را در مدت انتشارش به خوبی طی کرد. این مجله در ابتدا با درج



مطالب و گزارش‌های اجتماعی با مضمون جوانان و موضوعات روز در جذب مخاطب عادی موفق بود و در کنار آن مطالب ادبی و هنری خوبی را چاپ می‌کرد و از سال ۷۲ رشد محسوسی داشت، اما مشکلات مالی و انتشار گاهگاهی آن لطمه‌ای به این نشریه زد. تأثیر تنگنای مالی را می‌توان در آخرین شماره که ویژه ادبیات آمریکاست مشاهده کرد.

در سال ۱۳۷۱ «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» ادبیات داستانی را منتشر کرد که اولین نشریه کاملاً ادبی آن هم در حوزه داستان بود، اما به دلایلی

نتوانست از عهده انجام رسالت خود برآید. سردبیران این نشریه بارها تغییر یافته‌اند و به دلیل وابستگی به سازمانی دولتی، به ادبیات نگاهی ایدئولوژیک دارند که نقطه ضعفی برای ساختار مطالب و محتوای نشریه به حساب می‌آید.

هستی در بهار ۱۳۷۲ با صاحب‌امتیاز محمدعلی اسلامی ندوشن منتشر شد و عبدالحسین زرین‌کوب و محمدرضا شفیعی کدکنی از هیأت مشاوران این نشریه بودند. این نشریه در حوزه ادبیات کلاسیک گام برمی‌داشت و به ادبا و بزرگانی چون سعدی، حافظ، خاقانی، فردوسی، سعد سلمان، هومر،... می‌پرداخت. آخرین شماره هستی ۱۳۷۴ منتشر شد.

تکاپو در ۱۳۷۲ توسط منصور کوشان منتشر شد و قرار بود جای خالی یک نشریه ادبی سنگین را پر کند. اما در سال ۱۳۷۳ توقیف و تعطیل شد. در همین سال، شعر توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شد، اما در جلب مخاطب و برآوردن نیاز جامعه موفقیتی به‌دست نیاورد.

جهان‌کتاب در مهرماه ۱۳۷۴ با روش خبری، آموزشی و اطلاع‌رسانی منتشر شد. هرچند که بر جلد آن آمده «ویژه کتاب و نشر» و بر این اساس باید به تمامی حوزه‌ها - حداقل علوم انسانی - پردازد، با این حال در زمینه معرفی کتاب این اصل را رعایت کرده، اما در بررسی، نقد و معرفی نویسنده تنها به حیطة ادبیات می‌پردازد که در شماره‌های اخیر این عیب را رفع و به حوزه‌های دیگری چون سیاست، تاریخ و جامعه‌شناسی هم توجه نشان داده است.

ادبیات معاصر در اردیبهشت ۱۳۷۵ منتشر شد که دومین نشریه ادبی محض است. این نشریه از سال ۷۸ به صورت فصلنامه منتشر شده و با ایجاد تغییراتی در محتوای نشریه به ادبیات معاصر و مدرن ایران و جهان و مبانی نظری و تئوریک ادبی می‌پردازد.

از سال ۷۷ به این سو شاهد تنوع در

انتشار نشریات ادبی هستیم که می‌توان به بخارا، گلستان، پایاب، یا با و کارنامه اشاره کرد. بخارا را علی‌دهباشی پس از جدا شدن از کلک تقریباً با همان سبک و سیاق منتشر می‌کند، با این تفاوت که در بخارا بیش از یازدهمان بزرگان فرهنگ، هنر و ادبیات، مقالات در خور توجهی به چاپ می‌رسد. در این میان کارنامه به سردبیری هوشنگ گلشیری همچون نوشته‌های این استاد داستان‌نویسی، نشریه‌ای ارزنده در حوزه ادبیات است. البته باید دید پس از درگذشت گلشیری کارنامه می‌تواند همچنان جایگاه گذشته خود را حفظ کند؟ نشریات دیگری را نیز می‌توان نام برد که در سال‌های گذشته منتشر شده‌اند و یا همچنان منتشر می‌شوند، همچون معیار، نیستان، کتاب ماه (ویژه فلسفه و ادبیات)، نگاه‌نو، قصه، کلمه، بوطیقا، چیستاو...

با آماده شدن زمینه‌های سنت شکنی در شعر و طرح قالب‌های جدید برای داستان، بحث تجدید ادبی در نشریات پیش می‌آید. این بحث از حدود سال‌های ۹۸-۱۲۹۷ شمسی میان مجله و دانشکده و روزنامه تجدد تبریز (به سردبیری تقی رفعت) به طور جدی آغاز شد. شاید درخشان‌ترین جنبه فعالیت ادبی تقی رفعت مناقشات قلمی وی با مطبوعات تهران - از جمله دانشکده - باشد. وی نیازها و اقتضاهای زمانی و محیط خود را به خوبی شناخته بود و در مقالاتش که اکثراً با هیجان همراه بود، نظرانی ارائه می‌داد که برتر از نقطه‌نظرهای محدود رقیبانش بود.

در هنگامه بحث تجدد ادبی بود که موضوع توجه به ادبیات غربی نیز مطرح شد. برخی از نشریات ادبی براین باور تأکید داشتند که در کنار طرح ادبیات ملی، باید به ادبیات غربی نیز توجه نشان داد. چنانچه شعار نویسندگان کاوه یا دست‌کم مدیر مؤسس آن تقی‌زاده عبارت از «قبول بلا شرط و قید تمدن اروپا با اهتمام بلیغ در حفظ زبان و ادبیات فارسی» بود. و یا در مقاله‌ای که در شماره ۱۲ سال دوم

مجله بهار چاپ شده آمده است:

«... اگر آسیایی از طرز نگارش اروپایی آگاه شود و در ادبیات ملل تبعی کند، به جای سرود، زیان می‌برد؟ همان‌طور که یک‌نفر فرانسوی، آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی ترجمه کلیات سعدی، دیوان حافظ، رباعیات خیام، شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی را در زبان خود می‌خواند، آیا ممکن نیست یک‌نفر ایران نیز بخواند از افکار شکسپیر، هوگو، شیلر، بایرون و دیگران مطلع گردد؟...»

اما این جریان مانند هر جریان آغازگر دیگری با افراط همراه بود، همچنان‌که برخی تنها ادبیات خارجی را مورد توجه قرار می‌دادند. مثلاً مجله تقدم (برادران فرامرزی) به ترجمه بیش از تألیف اهمیت می‌داد، با این توجیه که «ما هیچ نداریم و دیگران همه چیز دارند و ما غیر از اینکه

به انتشار نشریات تخصصی زده‌اند، پس از عدم استقبال و زیان مادی بر سر دوراهی تعطیلی و یا تنزل سطح نشریه قرار گرفته‌اند.

در بررسی پیشینه نشریات ادبی از ابتدا تا به امروز، مشاهده می‌شود که تعداد نشریاتی که نوع، تخصص و روش آنها «تنها» ادبی باشد، انگشت‌شمار بوده است و نشریات در کنار دیگر موضوعات فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی و... ادبیات را نیز مدنظر قرار داده‌اند.

اگر به نشریات ادبی سال‌های ۶۰ به بعد (تا پیش از سال ۷۷) نگاهی بیندازیم می‌بینیم نشریات معدودی منتشر شده‌اند که فقط ادبیات را موضوع کار خود قرار داده‌اند. این تعداد مجله برای مخاطبان بی‌شمار ادبیات آن هم در کشوری که پیشینه ادبی طولانی داشته است و به

### ■ طلوع نشریات ادبی به شکل امروزی و دنبال کردن مطالب ادبی به‌طور جدی در نشریات، همزمان با آغاز کار مجله‌نویسی در سال ۱۳۲۸ ه. ق و انتشار مجله بهار بود.

### ■ دهه ۴۰ و ۵۰ سال‌های رونق نشریات ادبی بود، تا آنجا که روزنامه‌ها نیز صفحاتی را به ادبیات اختصاص می‌دادند.

ادبیات خود افتخار می‌کند و از سویی در مسیر ادبیات مدرن راهی طولانی در پیش دارد، کافی نیست. دیگر این‌که مجلاتی هم که تخصص صرفاً ادبی دارند، به دلایلی در طرح مسائل ریز و درشت ادبیات کوتاهی می‌کنند. به‌طور کلی ادبیات داستانی به دلیل دولتی بودنش نمی‌تواند و یا مجاز نیست به بسیاری از آثار و نویسندگان ادبی بپردازد. این تشریح از طرح کتاب‌ها و نقد آثار نویسندگان مطرح ادبی که در دسته‌بندی اپوزیسیون جای دارند، پرهیز می‌کند.

همچنین نشریاتی به ادبیات می‌پردازند که ادبیات موضوع کارشان نیست و جالب این‌که بیشتر مخاطبان ادبی گرایش به مطالعه این دسته از نشریات دارند که دلیل آن را می‌توان عدم حضور نشریات ادبی مفید و تخصصی دانست.

خوشه‌چینی دیگران کرده و از این راه خرمی برای خود گردآوریم چاره نداریم». از انواع جدایی‌ناپذیر ادبیات، داستان‌نویسی است و پاورقی‌نویسی شکل مبتذل این نوع ادبی است. استقبال عامه مردم، صاحبان جراید و مجلات (به خصوص هفته‌نامه‌ها) را به درج پاورقی و استفاده از داستان‌های عامه‌پسند، تشویق می‌کند. آغازگر این جریان مجله راهنمای زندگی بود. این مجله را حسینقلی مستعان که خود از پاورقی‌نویسان معروف بود، منتشر می‌کرد. به دلیل استقبال فراوان مردم از چنین نشریاتی و سودمالی که عاید صاحبان این‌گونه نشریات می‌شود، طبعاً تمایل به انتشار این نوع نشریات بیش از نشریات تخصصی ادبی است. به‌طوری که تاریخ مطبوعات ایران نیز نشان می‌دهد حتی فرهیختگانی که دست

این نشریات ادبیات را همراه با اهداف سیاسی و فرهنگی پیگیری می‌کنند. اگر ادبیات داستانی نام برخی نویسندگان را ذکر نمی‌کند، دسته دیگری از نشریات تمام تلاششان انعکاس نظرات و درج مقالاتی از نویسندگان اپوزیسیون است. طبیعی است که پرداختن به ادبیات به این شکل، سبب می‌شود مسائل و موضوعات ادبی به‌طور اصولی تحلیل و تبیین نشود، چرا که هدف این نشریات از پرداختن به ادبیات خود ادبیات نیست. در شرایط و اوضاعی که نمی‌توان به‌طور مستقیم به برخی موضوعات پرداخت. این نشریات مسیر غیرمستقیم را که همان ادبیات است، برای طرح این مسائل انتخاب کرده‌اند.

اگر در ایران توده مردم شایع است که هیچ چیز و هیچ‌کس در سر جای خود قرار ندارد، این موضوع در مورد نشریات ادبی کاملاً مصداق دارد. به عنوان مثال مجله کیان تخصص فرهنگی، ادبی، هنری و اجتماعی دارد، اما به حوزه «دین» بیشتر می‌پردازد، در حالی که آدینه یکی از تخصص‌هایش «مذهب» است اما به آن توجهی نشان نمی‌دهد و یا تگین که انتشارش در دهه ۴۰ آغاز شد در کنار چاپ مقالات ادبی - که هنوز هم پس از سه دهه تازگی دارد - مطالب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز گنجانده است. کافی است چند شماره از مجله را ورق زده و به فهرست مطالب نگاهی انداخت. راه سوم در ویتنام، مسائل دهقانی و راه‌های توسعه در جهان سوم، نقطه عطف در سوسیالیسم، عوامل پیشرفت یا وقفه تحقیق در جهان سوم، توسعه توسعه نیافتگی، کشورهای صنعتی و استعمال مواد مخدر، پیدایش سازمان‌های بین‌المللی، سایه‌های سوسیالیسم در آفریقا، اسلام مسلمانان و اسلام مستشرقان و...

مقایسه آماری میان نشریات ادبی سال‌های آغازین کار روزنامه‌نگاری با دهه‌های اخیر مبین این ادعاست که نشریات ادبی از ابتدای فعالیت خود، موضوعات

دیگری جز ادبیات را مورد توجه قرار می‌دهند. در این مقایسه آماری، دو دهه به عنوان نمونه انتخاب شده است؛ دهه ۳۰ از سده ۱۲ ه. ش (دهه ۹۰ از سده ۱۲ ه. ق) و دهه ۶۰ از سده ۱۳ ه. ش علت انتخاب این دو دوره، دسترسی داشتن به نشریات این سال‌ها و فهرست دقیق و کامل نشریات این دوره‌ها بوده است.

مقایسه «روش و تخصص» نشریات ادبی در دو دهه ۹۰ (سده ۱۲ ش) و دهه ۶۰ (سده ۱۳ ش)

روش و تخصص	دهه ۹۰ درصد	دهه ۶۰ درصد
هنری	—	۱۸/۶۸
فرهنگی	۵	۱۶/۶۸
اجتماعی	۱۷	۱۸/۶۸
سیاسی	۱۱	۱۰/۹۹
اقتصادی	۳	۱/۱
تاریخی	۱۴	۱/۱
علوم انسانی	—	۱/۱
مذهبی و عقیدتی	۱	۸/۷۹
فلسفه و عرفان	—	۲/۲
علمی	۱۸	۶/۵۹
آموزشی	—	۱/۱
نظامی	—	۱/۱
انتقادی	۱	—
اخلاقی	۱۷	—
خبری	۶	۴/۴
بهداشتی	۱	—
فکاهی	۵	—
سرگرمی	—	۱/۱
ادبی*	۱	۶/۵۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰

\* نشریاتی که صرفاً تخصص ادبی دارند و عنوان روش و تخصص دیگری در شناسنامه این نشریات قید نشده است.

پرداختن به ادبیات همراه با دغدغه سیاست و آمیختن این دو مقوله با هم محدود به امروز و اینجا نیست. این درهم آمیختگی که در دیگر کشورهای جهان سوم هم دیده می‌شود، ناشی از بحران حاکمیت و فراگرد ناقص استقرار دموکراسی است. از آنجا که نویسندگان در هر یک از این کشورها، فردی است که در تکامل سیاسی کشور نقش بسزایی دارد، از ادبیات در فعالیت‌های سیاسی کمک

می‌گیرد؛ چرا که نویسنده ادبی در چنین جوامعی معتقد است در فضای سیاسی بسته تمام فعالیت‌های سیاسی از ادبیات آغاز می‌شود و هنرمندان با شیوه‌های فرهنگی و به یاری آثار هنری فعالیت‌های سیاسی انجام می‌دهند.

برای یافتن منشأ این پدیده در کشور خودمان بهتر است به دوره مشروطه بازگردیم؛ هرچند دوره مشروطه آغاز کار روزنامه‌نگاری نیست، اما نقطه عطفی در مطبوعات است. در بخش‌های پیشین درباره تأثیر مطبوعات بر نشر و زبان فارسی و رواج «وطنیه» یا «اشعار مطبوعاتی» سخن گفتیم در این بخش باید افزود که زمینه این تأثیرگذاری‌ها خاستگاهی کاملاً سیاسی داشت، زیرا نثر متکلف و پیچیده آن زمان نمی‌توانست نیاز آزادیخواهان را در بیان احساسات و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی برآورد. بنابراین ناچار بودند برای تبلیغ اندیشه‌های نوین خود از شعر یاری جویند. مطبوعات در این دوران وظیفه خود را انتقادهای اجتماعی و بسیان نابسامانی‌های جامعه می‌دانستند و در این راستا سبک‌های نوین ادبی را در خدمت اهداف خود می‌گرفتند، چنانچه در مورد مطالب صوراسرافیل و تئاتر این موضوع کاملاً مشهود است. در این دوران می‌توان نشریات بسیاری را سراغ گرفت که روش آنها ادبی بوده، اما ادبیات و شعر را در جهت اهداف سیاسی به کار می‌گرفتند و حتی سیاستمداران زیادی نیز به همین روش عمل می‌کردند. از جمله سیدضیاءالدین طباطبایی در روزنامه شرق تحت عنوان ادبیات با چاپ اشعاری کنایه‌آمیز از حکومت وقت انتقاد می‌کرد. حتی ملک‌الشعرا بهار پیش از انتشار دانشکده، نوبهار را با روش سیاسی، ادبی و خبری در مشهد منتشر می‌کرد. نوبهار روزنامه‌ای تندرو و مخالف روس‌ها و دخالت آنان در امور ایران بود و بارها به درخواست روس‌ها توقیف و یا تعطیل شد و پس از انتقال ملک‌الشعرا بهار به

تهران به علت وکالت در مجلس سوم، روزنامه در تهران منتشر شد. نکته جالب دیگر، علت تعطیلی نوپهار است که آن را محمدصدرهاشمی در تاریخ تحلیلی جراید و مجلات ایران، درگیری‌ها و مشغله‌های سیاسی مدیرش ذکر کرده است.

انتشار آزادستان نیز معلول انگیزه‌های سیاسی بود. هر چند بر روی جلد آن «هواخواهی از تجدد در ادبیات» ذکر شده بود. شیخ محمد خیابانی و تقی رفعت پیش از انتشار این نشریه - که وابسته به کمیته ایالتی حزب دموکرات آذربایجان بود - تجدد را با روش سیاسی منتشر کرده بودند. گرچه در تجدد نیز مطالب ادبی به چاپ می‌رسید و عرصه نقادی و مناقشات قلمی، تقی رفعت بود. تجدد و آزادستان به منظور نشر فرهنگ و تفکر حاکم بر حزب دموکرات آذربایجان منتشر می‌شد. گوئل کهن در کتاب «تاریخ سانسور مطبوعات ایران» در مورد علت انتشار این دو نشریه می‌نویسد که خیابانی پیش از قیام جهت توجه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی‌اش تجدد را منتشر کرد و پس از قیام نیز جهت نشر فرهنگ انقلابی این حزب، آزادستان را منتشر کرد.

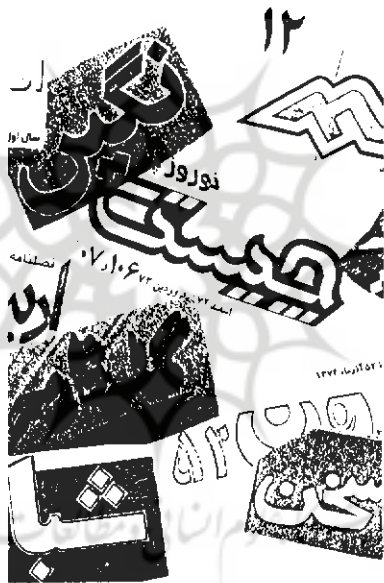
در زمان سردار سپه هم نشریات ادبی بودند که مضمون سیاسی داشتند و یا شاعرانی که نشریات سیاسی منتشر می‌کردند، از جمله میرزاده عشقی که مدیریت قرن بیستم و فرخی یزدی که مدیریت نشریه سیاسی طوفان را برعهده داشتند. رویه سیاسی فرخی یزدی و هدف سیاسی روزنامه وی در مقاله‌ای که در نخستین شماره آن در تاریخ ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۳۹ ه. ق. به چاپ رسیده، کاملاً مشهود است.

«برای بیان مصداق حقیقی اوضاع امروز ایران بالاضطرار جریده خود را طوفان نام نهاد و تا زمانی که ما و مملکت ما در چنگال حوادث گرفتاریم، روزنامه ما هم ناچار در همان جریان سیر می‌نماید و البته امیدواریم که روزی به تناسب محیط

نام روزنامه خود را به سکوت و آرامش عوض نماییم.»

میرزاده عشقی هم پس از انتشار آخرین شماره قرن بیستم به علت مخالفتی که با رژیم جمهوریت در آن شده بود، توقیف شد و خود در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۰۳ در خانه‌اش در ۳۱ سالگی هدف گلوله دو تن قرار گرفت و در بیمارستان درگذشت.

از دیگر نشریات ادبی این برهه که رویکرد سیاسی داشتند، یکی مجله آینده بود که مقصود خود را وحدت ملی قرار داده بود و سیاستمداران و نویسندگانی مانند فروغی، تقی‌زاده، دشتی، کسروی و



دولت‌آبادی در آن قلم می‌زدند و نیز مجله دنیا که موضوعات را از منظر اصول مادی جهان‌بینی ماتریالیسم و دیالکتیک تحلیل و تبیین می‌کرد. این نشریه را دکتر ارانی منتشر می‌کرد که جزو گروه پنجاه‌وسه تن بود و با روزنامه پیکار که در آلمان منتشر می‌شد و روزنامه‌های انقلابی و انتقادی بود، همکاری داشت.

حتی روزنامه باخترامروز که حسین فاطمی منتشر می‌کرد، بیشتر نشریه‌ای ادبی بود. داستان از این قرار بود که نصرالله فاطمی برادر حسین فاطمی مجله‌ای به نام باختر در اصفهان منتشر می‌کرد که بعدها به صورت هفته‌نامه و پس از آن به شکل

روزنامه منتشر شد. حسین فاطمی که مقالاتی در روزنامه ستاره به چاپ می‌رساند، به اصفهان رفت و پس از این که برادرش به سمت شهردار شیراز انتخاب شد، اداره روزنامه را کاملاً در اختیار گرفت. وی پس از مدتی نام روزنامه را به باخترامروز تغییر داده و در تهران منتشر کرد. به این ترتیب باختر نیز در کنار دیگر نشریات ادبی قرار گرفت که از وادی ادب به وادی سیاست روی می‌آوردند. البته این بار نه توسط یک ادیب و شاعر، بلکه توسط یک سیاستمدار.

نشریاتی از این نوع را در تاریخ مطبوعات ایران بسیار می‌توان سراغ گرفت. اوضاع تا دهه بیست و سی بر همین منوال بود. در این دو دهه نیز مطبوعات سیاسی یکه‌تاز میدان هستند و نشریات ادبی در کنار مسائل ایدئولوژیک و تفکرات سیاسی به موضوعات ادبی مورد نظر خود می‌پردازند. در این مقطع زمانی از لحاظ دیدگاه ادبی، نشریات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نشریاتی که شیفته اسلوب‌ها و سبک‌های کهن هستند و گروه تندرویی که می‌خواهند یک شبه بنیان «ارتجاع ادبی» را واژگون کنند. زبان این دسته از نشریات معمولاً فنی و پیچیده است.

در دهه چهل، برخی از فعالان حوزه سیاست - ادبیات کاملاً به حوزه ادبیات قدم گذاشتند و از سیاست (حداقل به شکل فعالیت عملی) کناره گرفتند. این رویه تا زمان انقلاب ادامه یافت. چنین تغییری در عملکرد نویسندگان ادبی، بر سیاست حاکم بر نشریات ادبی و موضع نظر نویسندگان فعال در نشریات ادبی نیز تأثیر گذاشت. بنابراین اگر همه نویسندگان پیش از دهه چهل منش سیاسی داشتند و اغلب در فعالیت‌های حزبی شرکت می‌کردند پس از آن‌که از اقدام سیاسی منع شدند، از داستان‌نویسی جهت افشاگری‌های سیاسی استفاده کردند، اما در دهه چهل به علت شکست در فعالیت‌ها و ناامیدی از آینده به عرفان و اندیشه‌های



فردی روی آوردند. در این زمان که ادبیات با جداسدن از سیاست، شکلی هنرمندانه پیدا کرده است، نشریات ادبی نیز رونق می‌یابند.

در اوج شکوفایی نشریات ادبی، ناگاه زمزمه انقلاب سرمی‌گیرد و نشریات ادبی در کثرت نشریات انقلابی و حزبی، گم می‌شوند. با اوج‌گیری جریان‌های سیاسی و پس از آن پیروزی انقلاب و شور و هیجان انقلابی که تا سال ۵۸ ادامه دارد، تمامی نشریات ادبی ماندگار - که تا این زمان با مشکلات ساخته‌اند و مسیری طولانی را طی کرده‌اند - تعطیل می‌شوند. مانند یغما، نگین و سخن، نشریات دیگر نیز به پیروی از زمانه، سیاسی می‌شوند. کافی است یکی دو نشریه ادبی منتشر شده در این سال‌ها را ورق زد تا اوضاع حاکم بر مجموعه نشریات ادبی مشخص شود. ویژه‌نامه هنر و ادبیات نمونه‌ای از این دست نشریات است. این نشریه که نامش نشانگر روش نشریه است، از سرمقاله و یادداشت گرفته تا اشعار، مقالات و نقد، همگی بوی سیاست می‌دهد. به عنوان مثال چندین مقاله در مورد خسرو گل‌سرخ‌چی که به منش سیاسی او پرداخته شده است. یا مصاحبه‌ای با بزرگ علوی در زمینه سیاست و حضور وی در حزب توده، مصاحبه با اکبر رادی با این عنوان: «بنگاه شادمانی و شلاق پهلوی».

در یک جمع‌بندی کلی در مورد سیاست زدگی نشریات ادبی تا زمان انقلاب، می‌توان گفت که سال‌های پیشین و پسین انقلاب مشروطه به دلیل اوضاع آرام انقلابی، افزایش آگاهی توده و انقلاب در تمامی ارکان اجتماع، نشریات ادبی نیز دنباله‌رو اوضاع سیاسی بوده و جهت‌گیری سیاسی پیدا می‌کنند. اما هنوز ماجرا پایان نیافته که با حوادث دیگری چون ختم دوره قاجار، کودتای سیدضیاء و روی کار آمدن رضاخان، فصل جدیدی در سیاست ایران گشوده می‌شود. پس از فرار رضاشاه در دهه بیست، هیجان ملی شدن نفت و رهبری آن توسط دکتر مصدق، به

■ در هنگامه بحث تجدید ادبی بود که موضوع توجه به ادبیات غربی نیز مطرح شد. برخی از نشریات ادبی بر این باور تأکید داشتند که در کنار طرح ادبیات ملی، باید به ادبیات غربی نیز توجه نشان داد.

■ از انواع جدایی‌ناپذیر ادبیات، داستان‌نویسی است و پاورقی‌نویسی شکل مبتذل این نوع نگارش ادبی است.

موضوعات ادبی مورد توجه قرار می‌داد. این نشریه مسائل سیاسی و اجتماعی روز را در بخش «محرمانه، مستقیم» طرح می‌کرد. این نشریه پس از توقیف و تعطیلی، دوره دوم انتشار خود را در سال ۷۲ آغاز کرد که این بار مسائل سیاسی را بیش از پیش دنبال کرد و سیاست را اصل محتوای نشریه قرار داد. در دوره دوم «محرمانه، مستقیم» حذف شده بود. اما به جای آن یادداشت سردبیر تحت عنوان «حضور خلوت انس» بود که ادبیات را با منظری کاملاً سیاسی و تند و تیز مورد بازبینی قرار می‌داد. علاوه بر آن تک تک مصاحبه‌ها و مقالات، هدفی سیاسی و یا گریزی هرچند جزئی بدان حوزه داشت.

نشریه نیستان نیز به ادبیات از دید سیاست - مذهب می‌نگرد و حتی ادبیات داستانی در عین نپرداختن به سیاست به نوعی سیاسی محسوب می‌شود، چرا که همین موضع مشخص سیاسی نشریه سبب می‌شود تا جریان‌های مهم ادبی نادیده گرفته شود.

البته با تحولات پس از دوم خرداد، از سال ۷۷ نشریات ادبی متنوعی منتشر شده‌اند و شاهد دوره جدیدی از رونق نشریات ادبی هستیم، تا جایی که صفحات ادبی روزنامه‌ها نیز همچون دهه‌های چهل و پنجاه رونق گرفته است. اما این دوره دو ساله به دلایل سیاسی ثبات چندانی نداشته است. از سویی صفحات ادبی روزنامه‌ها که می‌توانست مکمل مجلات ادبی - که با وقفه‌های طولانی منتشر می‌شوند، باشد - تعطیل شدند. از طرف دیگر صفحات ادبی روزنامه‌ها و مجلات ادبی زیر سایه سنگین مسائل و موضوعات سیاسی قرار

سیاسی شدن توده مردم دامن می‌زند. بخشیدن به برهه سیاسی شدن توده می‌شود. بنابراین تا آغاز دهه چهل فرصتی باقی نمی‌ماند که سیاست از اولویت کار مطبوعاتی و ادبی خارج شود. اما دهه چهل و پنجاه (تا سال ۱۳۵۶) دوران شکوفایی نشریات ادبی از نظر کیفیت و کمیت است. از سال ۱۳۵۶ تحت تأثیر شور انقلابی حاکم بر جامعه و روند روبه‌رشد نشریاتی که اهداف انقلابی و حزبی را دنبال می‌کردند، نشریات ادبی نیز کما پیش از این اوضاع تأثیر گرفتند. نشریات این دوره را که از سال ۱۳۵۶ آغاز شد و تا سال ۱۳۶۰ ادامه داشت، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. نویسندگان ادبی و روشنفکرانی که وارد عرصه سیاست شده بودند. مانند منصور کوشان که نشریه ایران را در سال ۱۳۵۸ منتشر کرد. این نشریه هرچند که تخصص ادبی را در کنار عنوان سیاسی یدک می‌کشید، اما ادبیات در آن کم‌رنگ بود و یا سیما کوبان نشریه بوستان (۱۳۵۸) را که وابسته به انجمن هنرمندان خلق بود، منتشر کرد.

۲. نشریات ادبی که در کنار طرح مسائل سیاسی، به ادبیات هم می‌پرداختند بی‌آنکه مضمون و محتوای مطالب ادبی از مسائل سیاسی متأثر باشد، البته مطالب ادبی در حاشیه قرار داشت. مانند: نگین.

با این حال با گذشت دو دهه از انقلاب و دور شدن از حال و هوای انقلابی، برخی نشریات ادبی، هنوز سیاست را جزو برنامه کار خود قرار می‌دهند. مهمترین نمونه آن گردون بود. گردون در ابتدای انتشار مسائل سیاسی را در کنار

۳. زرین کوب، دکتر عبدالحسین. آشنایی با نقد ادبی، تهران، انتشارات سخن، چاپ ۲، پاییز ۱۳۷۲، صص ۲۲-۲۳.

### منابع:

۱. آیین پور، یحیی. از صبا تا نیما. جلد ۱ و ۲، تهران، انتشارات زوار، چاپ ۵، سال ۱۳۷۲.
۲. آیین پور، یحیی. از نیما تا روزگار ما، تهران، انتشارات زوار، چاپ ۱، سال ۱۳۷۲.
۳. براون، ادوارد. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، کانون معرفت، چاپ ۴، سال ۱۳۷۲.
۴. بهزادی، دکتر علی. شبه خاطرات، جلد ۱، تهران، انتشارات زرین، چاپ ۱، زمستان ۱۳۷۵.
۵. بهشتی پور، مهدی. «مطبوعات ایران در دوره پهلوی». رسانه، سال ۴، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲.
۶. سپانلو، محمدعلی. نویسندگان پیشرو ایران. تهران، انتشارات نگاه، چاپ ۴، س ۱۳۷۱.
۷. شاه حسینی، دکتر ناصرالدین. «اثر مطبوعات در ادبیات مشروطه». ادبیات معاصر، سال ۱، اردیبهشت ۱۳۷۵ (ویژه نامه مطبوعات).
۸. صدره شامی، محمد. تاریخ جراید و مجلات ایران. جلد ۲ و ۴. اصفهان: انتشارات کمال، چاپ ۲، سال ۱۳۶۳.
۹. عابدینی، حسن. «تداوم داستان و رمان نو در ایران». گردون، سال ۱، ش ۳، یکم دی ۱۳۶۹.
۱۰. عابدینی، حسن. «سدسال داستان نویسی در ایران (۱۳۴۲-۱۳۵۳)». جلد ۱، تهران، انتشارات نند، سال ۱۳۶۶.
۱۱. فاضلی بیرجندی. «مقدمه ای بر هم پیوستگی دو مقوله ادبیات و سیاست». همشهری، ش ۱۴۵۴، ۱۸ دی ۱۳۷۶.
۱۲. قاسمی، سیدفرید. راهنمای مطبوعات ایران - عصر قاجار (۱۲۵۳ ق ۱۲۱۵ ش ۱۲۰۴ ش) تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ ۱، بهار ۱۳۷۲.
۱۳. قاسمی، سیدفرید. راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۷۱ - ۱۳۵۷) تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ ۱، بهار ۱۳۷۲.
۱۴. کهن، گوئل. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی. جلد ۲، انتشارات آگاه، چاپ ۱، سال ۱۳۶۲.
۱۵. مجابی، دکتر جواد. «ژورنالیسم احمد شاملو از نگاه جواد مجابی». روزگار وصل، سال ۳، ش ۲۰، اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵.
۱۶. محمدی، مجید. «اقتصاد مطبوعات ایران». همشهری، ش ۹۹۸، ۳۱ خرداد ۱۳۷۵.
۱۷. محمدی، مجید. «کارنامه مجلات علمی در ایران». همشهری، ش ۷۲۱، ۱۲ تیر ۱۳۷۴.
۱۸. محمدی، مجید. «مجلات علمی ایران، بر عهده پدید آورندگان و معضل عدم ثبات». همشهری، ش ۷۵۵، ۲۳ مرداد ۱۳۷۴.
۱۹. محیط طباطبایی، سیداحمد. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، انتشارات بعثت، چاپ ۲، تابستان ۱۳۷۵.
۲۰. ورهام، دکتر غلامرضا. نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار. تهران، انتشارات معین، سال ۱۳۶۷.

## ■ به طوری که تاریخ مطبوعات ایران نیز نشان می دهد حتی فرهیختگانی که دست به انتشار نشریات تخصصی زده اند، پس از عدم استقبال و زیان مادی بر سر دوراهی تعطیلی و یا تنزل سطح نشریه قرار گرفته اند.

اشتغال زیاد دست اندرکاران مطبوعات و نویسندگان، بدقولی نویسندگان و مترجمان در ارائه به موقع اثر، مشکلات اقتصادی و عدم ثبات سازمانی دانست. ادامه بی نظمی در انتشار، گاه منجر به تعطیلی نشریه می شود. به طوری که در تاریخ نشریات ادبی و به طور کلی نشریات تخصصی، کمتر می بینیم نشریه ای سالیان طولانی انتشار یافته باشد. از جمله مجله دانشکده که پس از انتشار ۱۲ شماره تعطیل شد. علاوه بر تعطیلی وقفه های طولانی و گاه چندساله نشریات ادبی نیز قابل توجه است. مانند مهر، آینده.

مهمترین دلیل این مشکل، بحران اقتصادی است که نشریات ادبی دیگر نیز با آن مواجه هستند، و به همین علت بسیاری از مؤسسات مطبوعاتی و نشریات، گاه به کارهای تبلیغاتی رو می کنند. برخی به طور کلی، کار مطبوعاتی را رها کرده و برخی جهت گیری و رویه نشریه خود را تغییر می دهند. تعداد مجلاتی که تعطیل شده اند و یا در حال تعطیلی هستند، کم نیست و البته علل اقتصادی بر علل فرهنگی - سیاسی می چربد. وضعیت در این سال ها به گونه ای بوده است که حتی برخی از مجلات از تعطیلی خویش به صورت وجهه ای سیاسی استقبال کرده اند! □

### پی نوشت ها:

۱. قانون مطبوعات و آیین نامه اجرایی (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ و ۱۳۶۵/۱۱/۸)، چسپ اول، تهران، اداره کل مطبوعات داخلی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۹، ص ۴.
۲. قاضی زاده، علی اکبر. «روزنامه نگاری با ادبیات همجنس نیست»، صنعت چاپ، سال ۱۴، ش ۱۵۵، آذر ۱۳۷۴، ص ۲۱.

گرفته اند، همچنین دغدغه های سیاسی مخاطبان ادبیات بر علائق ادبی شان غلبه کرده است. گویا چرخه غلبه سیاست بر ادبیات همچنان پایدار خواهد بود.

سال های زیادی از شکل گیری ادبیات نوین و حضور نشریات ادبی در عرصه مطبوعات می گذرد، اما خلاء نقدهای اصولی همراه با رویکردهای گوناگون چون رویکرد روانشناختی، فرمالیستی، ... به شدت احساس می شود. از سوی دیگر توجه به ادبیات در حاشیه موضوعات و مسائل دیگر، سبب می شود ادبیات به طور جدی مورد توجه قرار نگیرد و از موضوعات بنیادین ادبی غفلت شود. دیگر آن که همگامی ادبیات با سیاست مانع رشد ادبیات شده است، زیرا یک اثر ادبی با ملاحظات سیاسی نقد می شود و به همین دلیل نقدی سازنده و دور از افراط و تفریط نیست. مجموع این سه عامل سبب می شود تا نشریات ادبی عمده تا خبری، گزارشی و کمتر فنی و تحلیلی باشند و در مقالات شاهد انعکاس جهت گیری های ایدئولوژیک، نقدهای غیرفنی، گزارش و خیر از محافل و نمایشگاه ها و جشنواره ها باشیم.

از دیگر معایب نشریات ادبی، انتشار نامنظم آنهاست. اگر چه در شناسنامه نشریات «ماهنامه» ذکر شده، اما در طی سال کمتر از ۱۲ شماره منتشر می شود. به طوری که شتاب در هریک از سال های ۷۶ و ۷۷ یک شماره منتشر کرده است. به طور کلی مطبوعات ایران - به ویژه نشریات ادبی - از ابتدای فعالیت روزنامه نگاری در ایران، چنین وضعیتی داشته اند. این بی نظمی در انتشار نشریات ادبی را می توان، ناشی از ضعف مدیریت،